

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیمیتری اورلوف - Dmitry Orlov
برگردان از: حمید محوی
۰۴ می ۲۰۱۸

فن آوری راکتی روسیه نیروی بحری امریکا به ارزش یک تریلیون دالر را از دور خارج کرد

زمانه عوض شده و امریکا دیگر نمی تواند قدرت نظامی اش را مانند دوران جنگ عراق به هر کجایی که مایل است گسیل کند. این دوران به سر آمده است.



در کوران ۵۰۰ سال گذشته کشورهای اروپایی، پرتگال، هالند، اسپانیا، بریتانیای کبیر، فرانسه و به مدت کوتاه تری المان، توانستند با استفاده از نیروی بحری شان در فرا ابحار بخش بزرگی از سیاره زمین را غارت کنند. به این علت که بخش بزرگی از جمعیت جهان در طول سواحل زندگی می کنند و از راه دریا با یک دیگر مبادله بازرگانی دارند، کشتی های جنگی می توانستند، غافلگیرانه سر راهشان سبز شوند و با تسلط بر راه های آبی مردم بومی را به زانو در آورند.

ناوگان جنگی می توانست دست به غارت بزند، مالیات تعیین کند، نافرمانان را تنبیه کند. کشورهای اروپایی از اموال غارت شده و مالیاتها برای ساخت کشتی های بیشتر و جدید تر استفاده می کردند و به این ترتیب امپراتوری بحری خود

را گسترش می دادند. با این شگرد بود که کشورهای کوچکی که منابع طبیعی ناچیزی داشتند ولی غنی از بیماریهای مسری بودند در کران نیم هزاره بر جهان مسلط شوند.

وارث نهائی طرح نیروی بحری امپراتوری در دوران کنونی ایالات متحده امریکاست که به نیروی هوائی، ناوگان کشتی های هواپیما بر غول پیکر نیز مجهز شده و افزون بر این باید از شبکه وسیع پایگاه های نظامی اش در سر تا سر سیاره زمین یاد کنیم که علت وجودی آن تحمیل «صلح امریکائی» Pax Americana (صلح پایدار امریکائی از سال ۱۹۴۵) به کل جهان است. این «صلح امریکائی» بیشتر در بازه زمانی مختصری برجسته تر از همیشه تبلور یافت که از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شروع می شود و تا پیدایش روسیه و چین در جایگاه قدرتهای نوین جهان و ایجاد فن آوریهای نوین ضد ناو و ضد هوائی ادامه می یابد. ولی [من پیشبینی می کنم که] امروز این طرح امپراتوری به پایان رسیده است.

پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نظامیان امریکائی جرأت نمی کردند کشورهای را که زیر پوشش حمایت شوروی هستند تهدید کنند. با وجود این، با کار بست نیروی بحری برای تسلط بر راه های بحری که حمل و نقل نفت خام در آن جاری بود و با پافشاری روی استفاده از دالر امریکائی برای معاملات نفتی، در نتیجه با ابزار اوراق قرضه داخلی به دالر و با مجبور کردن همه کشورهای جهان در سرمایه گذاری در این ابزار کار بانکی، ایالات متحده امریکا توانست به فراسوی توان مالی اش دست یابد. امریکائی ها هر آنچه را که می خواستند می توانستند با استفاده از پول قرضی وارد کنند، بر این پایه هم زمان دو اتفاق روی می دهد: صدور تورم و خالی کردن حساب پس انداز مردم در سر تا سر جهان. در جریان این فرآیند، ایالات متحده امریکا فراتر از آنچه در گذشته به شکل نسبی وجود داشت و دیده شده بود، میزان قرض ملی به شکل فوق العاده ای افزایش یافت. در نتیجه باید دانست که سرانجام وقتی این قرض داخلی مثل بمب منفجر شود ترکش های آن به فراتر از مرزهای امریکا اصابت خواهد کرد. این بمب وقتی منفجر خواهد شد که تلمبه های ثروت نفتی که اعتبار آن به برتری نیروی بحری و هوائی امریکا بستگی دارد از کار بایستد.

فن آوری نوین در زمینه دستگاه های راکتی با هزینه کمتر خیلی بسادگی امپراتوری بحری را با شکست روبه رو کرده است. در گذشته، برای نبرد بحری باید دارای کشتی های جنگی سریعتر با توپخانه نیرومند تر از دشمن در اختیار می داشتند. به همین علت نیروی بحری بریتانیا به تخریب ناوگان بحری اسپانیا نائل آمد. در دوران نزدیکتر به دوران ما، چنین امری به این معنا بود که فقط کشورهای هائی که دارای صنایع مشابه ایالات متحده امریکا هستند می توانند به فکر رویارویی نظامی با امریکا بیفتند. ولی وضعیت تحول یافته است: راکت های نوین روسی می توانند از فاصله هزاران کیلومتری پرتاب شوند و یکی از این راکت ها برای غرق کردن یک ناوشکن و پرتاب دو راکت برای ارسال یک ناو هواپیما بر به اعماق بحر کافی خواهد بود. در حال حاضر غرق کردن ناوگان امریکا بی آن که طرف مقابل معادل آن را در اختیار داشته باشد ممکن شده است. حجم اقتصاد امریکا و روسیه و بودجه دفاعی هر یک، دیگر از این پس شاخص تعیین کننده ای نیست: روسها خیلی سریعتر از امریکائی ها برای تولید ناو هواپیما بر جدید می توانند راکت های مافوق صوت خودشان را تولید کنند.

گسترش توان دافع هوائی روسی به همین نسبت حائز اهمیت است: دستگاه های S-300 و S-400 توانائی بستن فضای هوائی هر کشوری که این دستگاه ها در آنجا مستقر شده مانند سوریه را دارد، به همین علت نیروهای امریکائی مجبور اند خارج از تیر رس آنها باقی بمانند. با تبحر سریع برتری نیروی بحری و هوائی، آنچه برای ایالات متحده امریکا باقی می ماند گسیل حجیم نیرو می باشد، یعنی گزینشی که از دیدگاه سیاسی نامطلوب بوده و ناکارآمدی اش را نیز در عراق و افغانستان نشان داده است.

افزون بر این، گزینش هسته ئی نیز وجود دارد، و گرچه انبار مهمات هسته ئی در آینده نزدیک خنثی نخواهد شد، ولی جنگ افزار هسته ئی صرفاً نقش بازدارندگی دارد. ارزش ویژه جنگ افزار هسته ئی جلوگیری از تشدید جنگ فراتر از نقطه خاصی ست و این نقطه فراسوی حذف برتری بحری و هوایی در سطح جهانی واقع شده. ولی جنگ افزار هسته ئی برای افزایش رفتار تهاجمی علیه دشمنی که به جنگ افزار هسته ئی مجهز می باشد از بی فایده نیز بی فایده تر است و به شکل اجتناب ناپذیری به خودکشی شباهت خواهد داشت.

آنچه ایالات متحده آمریکا باید با آن رویارویی کند مشکل مالی مربوط به قروض بازپرداخت ناپذیر و پمپ ثروت ناکارآمد است، این واقعیت به شکل انکار ناپذیری به روشنی نشان می دهد که انفجارهای هسته ئی در سراسر جهان مشکل اصلی و ورشکستگی امپراتوری را حل نخواهد کرد.

رویدادهایی که حاکی از تحولات گسترده زمانه در جهانند غالباً وقتی به شکل جزئی در نظر گرفته می شوند کم اهمیت به نظر می رسند. عبور ژول سزار از رودخانه روبیکن خیلی بسادگی فقط عبور از یک رودخانه بود، ملاقات و اعلام دوستی میان یگانهای شوروی و امریکائی در الب به عنوان رویدادی کم اهمیت تلقی شد که خیلی دور از محاصره لنینگراد، نبرد ستالینگراد یا سقوط دیوار برلین به وقوع پیوسته بود. ولی با وجود این نشان از تحولی تکنونیک در چشم انداز تاریخ بر خود داشت. و ما شاید با نبرد نازل و محدودی که در غوطه شرقی به وقوع پیوست شاهد رویداد مشابهی بودیم، جایی که ایالات متحده آمریکا با تدارک نمایش دروغین کاربست جنگ افزار کیمیائی بهانه تازه ای برای حمله به سوریه یافت. باند رهبران سیاست خارجی آمریکا می خواستند نشان دهند که مثل همیشه مهم هستند و نقش مهمی به عهده دارند، ولی آنچه واقعاً به وقوع پیوست، این است که نیروی بحری و هوایی آمریکا تقریباً کاملاً از مرحله پرت افتاده بود.

مطمناً، همه این رویدادهای اخیر برای مؤسسات نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و به همین گونه برای اعضای کنگره آمریکا در مناطقی که پیمان کاران نظامی عمل می کنند یا مناطقی که پایگاه های نظامی را در خود جای داده بسیار ناگوار است.

روشن است که این رویدادها برای کارفرمایان در زمینه صنایع دفاعی، کارمندان پایگاه های نظامی و برای بسیاری دیگر ناگوار است. به همین گونه در عرصه اقتصادی نیز خبر بسیار بدی ست زیرا برای دولت آمریکا از دیدگاه سیاسی هزینه دفاع کمابیش یگانه ابزار رشد اقتصادی ست، به سخن دیگر این سیاست یگانه ابزاری ست که دولت آمریکا قادر به کاربست آن می باشد. «پیست های آماده برای اشتغال» در دوران اوباما، اگر به یاد داشته باشید، موجب پیشگیری سقوط فوق العاده میزان شرکت در بازار کار نشد، در واقع یک شوخی بود تا میزان بیکاری واقعی را بر عکس نشان دهند.

البته طرح بسیار عالی دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از سرازیر کردن پول زیاد در شرکت هوا فضای الون موسک SpaceX d'Elon Musk (در حالی که به خرید موتورهای راکت فضا پیمای روسی که برایشان ضرورت حیاتی دارد ادامه می دهند، با این حساب که روسیه در پاسخ به تحریم امریکائی فروش این موتورها را به مثابه عمل تلافی جویانه متوقف کرده است). کوتاه سخن، با حذف محرک اقتصاد مربوط به صنعت دفاعی، اقتصاد آمریکا به تدریج دچار فروپاشی خواهد شد.

بی فایده است اگر بگوئیم اشخاصی که در این فرآیند شرکت دارند همه تلاش خودشان را به کار خواهند بست که تا جایی که ممکن است خنثی شدن سیاست خارجی و باند رهبران دفاع آمریکا را انکار کنند و یا پنهان نگهدارند. پیشبینی من این است که امپراتوری بحری و هوایی به این علت غرق خواهد شد که دچار شکست نظامی شده، و یا به این علت

که وقتی خبر پایان عمرش به شکل گسترده منتشر شد بی درنگ منحل شود، بلکه به جای اینها به دلیل کمبود بودجه مجبور خواهد شد عملیات نظامی اش را کاهش دهد. شاید هنوز تا ترک قطعی میدان جای چند حرکت پر سر و صدا باقی مانده باشد، ولی بیشتر صدای آه و ناله شکوه آمیز آنها را به گوش خواهیم شنید. این وضعیتی بود که برای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به وقوع پیوست، و همین وضعیت برای ایالات متحده آمریکا نیز به وقوع خواهد پیوست.

Version originale : [Russia insider](#)

Traduction et source pour la version française : [Avic – Réseau International](#)

La source originale de cet article est [Russia insider](#)

Copyright © [Dmitry Orlov](#), [Russia insider](#), 2018

22 avril 2018 [Russia insider](#)

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۲۳ اپریل ۲۰۱۸

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/la-technologie-des-missiles-russes-a-rendu-obsolete-une-marine-americaine-valant-1-trillion-de-dollars/5625117>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۳ مه ۲۰۱۸